درس 33

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خـدا اسـت، بـه خداونـد بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
اشعيا
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كـه در خلال يكي از «اوقـات خلـوتي» كـه بـه مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتابمقدس مشغول بوده‌ايد چـه آموخته‌ايـد (اشـعيا 1،ـ 2،ـ 3،ـ 4)، (يـا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مـورد آنچـه مي‌گويد بحث نكنيد، فقط يادداشت برداريد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
مرور. دو به دو مرور كنيد. روميان 10:9ـ10.

4 تعليم (90 دقيقه)
معمارِ عجول + پادشاه بي‌فكر
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضـيحي اسـت مبتـني بـر امـور واقعي زنـدگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقـايع عـادي و روزمـره زنـدگي انسـان اسـتفاده مي‌كـرد تـا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ك. ضميمه 1، راهنماي ملكوت 1) بررسي خواهيم كرد.

«مثل معمار عجول» در لوقا 14:28ـ30 و مثل «پادشاه بي فكر» در لوقا 14:31ـ33، مثل‌هايي دربارة شاگردي در ملكوت مي‌باشند.

مثل معمار عجول

قرائت: لوقا 14:25ـ30.

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
مقدمه: مثل‌ها با زبانِ مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني تشريح شود. از اين رو، نخست به بررسـي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخي داستان مي‌پردازيم.
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:
الف) برج احتمالاً عمارتي است شبيه عمارتي كه در تاكستان به‌عنـوان بـرج ديـدباني يـا انبـار مي‌سـازند (اشعيا 5:2) و يا امكان دارد عمارت كامل يك كشتزار باشد.
ب) برآورد كردن خرج. هر تاجر باتجربه‌اي مخارج هر طرح و برنامه را محاسبه مي‌كند.
ج) هر كه بيند. نظاره‌گران اين شهرت منفي را دارند كه هميشه آماده‌اند تـا موقعيت‌هـا را بـه مسـخره و مزاح تبديل كنند و يا ديگران را مخصوصاً زماني كه در كار خود شكست مي‌خورند، تحقير نمايند.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيينِ عناصر آن
مقدمه: چارچوب شامل «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربردِ» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه شرايط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صـورت بـوده است. زمينه معمولاً قبل از مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد، بعد از مثل.
كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينه مثل در لوقا 14:25ـ27 يافت مي‌شود. عيسي از راه بيريه به سمت اورشليم مي‌رفت (لوقا 9:51). در حين راه با جمعيت زيادي كه همراه او بودند در مورد شـاگردي سـخن مي‌گفت. عيسـي تعليم مي‌دهد كه هركه مي‌خواهد شاگرد او شود بايد بداند كه شاگردي بهايي دارد كه بايد پرداخت گردد. بـرآورد بهاي تكميل وظيفه بر عهده عيسي نبود، چرا كـه او قبلاً مي‌دانسـت بـراي نجـات مـردم مي‌بايـد بـر روي

صليب بميرد. همچنين مي‌دانست كه وظيفه بناي ملكوت خدا فقط با وجود شاگردان حقيقي كامل مي‌گردد، نه با پيروان سطحي و ظاهري. نه عيسي، بلكه افرادي كه مي‌خواهند شاگرد او گردنـد، مي‌بايـد بهاي شاگردي را برآورد نمايند. محتواي اين مثل دربارهٔ افرادي است كـه مي‌بايـد بهـاي پـيروي از عيسـي مسيح را به‌عنوان شاگرد در نظر داشته باشند.

تعليم عيسي در مورد شاگردي به اين شرح است:

1- تمام مسيحيان واقعي بايد شاگردان حقيقي باشند.

بر اساس اعمال 11:26، شاگردان براي اولين بار در انطاكيـه مسـيحي ناميـده شـدند. بايـد مـواظب باشيم كه بين مسيحي و شاگرد مسيح هيچ تمايز قاطعي قايل نگرديم. عيسي مسيح رده‌هاي متفـاوتي از مسيحيان را معرفي نكرد، چنانكه گويي يـك شـاگرد در رده بـالاتري از يـك مسـيحي معمـولي قـرار دارد. اشتباه از اينجا بوجود مي‌آيد كه در هر جايي عده‌اي خود را مسيحي مي‌نامند، در حـالي كـه خصوصـيات و ويژگي‌هاي شاگرد مسيح را دارا نمي‌باشند. آنها در حقيقت فقط در اسم مسيحي هسـتند نـه در عمل. در آغاز عهدجديد تمام اشخاصي كه به عيسي مسيح ايمان داشـتند و او را پـيروي مي‌كردنـد، شـاگرد ناميـده مي‌شدند. و حتي بعد از آن، عيسي بين آنهايي كـه شـاگردان واقعي بودنـد و آنهـايي كـه شـاگردان واقعي نبودند، تمايز قايل گرديد (يوحنا 6:60ـ69). در كتاب اعمال رسولان شخص زماني شاگرد مي‌گرديد كه به عيسي مسيح ايمان مي‌آورد (اعمال 9:26؛ 13:48ـ52). تعدادي از اين مسيحيان يا شاگردان هنوز بسيار نابالغ بوده و باعث عدم اتحـاد و يكـدلي بين خودشـان مي‌گرديدنـد (اعمـال 6:1ــ2)، در حـالي كـه سـاير مسيحيان يا شاگردان كاملاً از نظر روحاني بالغ بودند، همانند تيموتاؤس (اعمال 16:1ــ2). خصوصـيات و ويژگي‌هاي خاص يك شاگرد آشكارا توسط عيسي مسيح در اناجيل تعليم داده شده است (مـتي10:24ــ25؛ 13:52؛ 28:19ـ20؛ لوقا 6:40؛ 14:26ـ27، 33؛ يوحنا 8:31ـ32؛ 13:34ـ35؛ 15:5؛ 15:8). هدف عيسي مسيح اين است كه تمام اشخاصي كه به او ايمان مي‌آورند، با فيض الهي خصوصيات شاگرد را در خود رشد دهند و شكوفا سازند.

2- شاگرد، پيرو عيسي مسيح است.

عيسي از اشخاص مختلفي دعوت كرد تا شاگرد او گردند. او گفت: «بيا و ببين» يا «از عقب من بيا». دعوت مسيح براي شاگردي به سطح اجتماعي افراد بستگي نداشـت. در ميـان شـاگردان او، مـاهيگيران گناهكاري همانند پطرس، يعقوب و يوحنا، بـاجگيراني مـورد تنفـر هماننـد مـتي، و گـروه سياسـي غيـوران همانند شمعون، وجود داشت. دعوت براي شاگردي در واقع دعوتي اسـت بـراي همـراهي مسـيح در هـر جايي كه او مي‌رود. تأثير مستقيم و قوي شخصيت مسيح بـه همـراه تعليم قدرتمنـد او، بـه افـراد انگـيزه مي‌داد كه شاگرد او گردند (يوحنا 1:35ـ51؛ لوقا 5:1ـ11؛ مرقس 3:13ـ15).

3- شاگرد از عيسي مسيح درس مي‌آموزد.

شاگرد با شنيدن، ديدن و پيروي كردن يا الگو قـرار دادن، درس مي‌آمـوزد. او در حين پـيروي عيسـي، درس مي‌آموزد. او از نزديك زندگي و خدمت مسيح را مشـاهده مي‌كنـد. او هم از تعليم و همـه از نمونـهٔ عيسي مسيح و رسولان درس فرا گيرد. او همچنين از طريق تجربه كردن و عمل كـردن درس مي‌آمـوزد (يوحنا 13:13ـ15؛ متي 4:23؛ اعمال 4:13؛ فيليپيان 4:9ـ12).

4- نخستين مشخصه و ويژگي شاگرد حقيقي عيسي مسيح، تنفر ورزيدن است. شاگرد واقعي كاملاً وقف عيسي مسيح است.

بر اساس آيه 26 شخص براي آنكه شاگرد عيسي مسيح گردد، بايد خانواده و زنـدگي خـود را دشـمن دارد. منظور اين نيست كه او بايد به والدين و خانوادهٔ خـود بـدين معنـا دشـمني ورزد كـه آنهـا را دوسـت نداشته، از آنها نفرت داشته، يا از آنها دوري كـرده و آنهـا را فرامـوش نمايـد. كتاب‌مقـدس بـه مسـيحيان دستور مي‌دهد كه از والدين خود مواظبت كرده، همسـران خـود را محبت نمـوده، فرزنـدان خـود را تحت تعليم خداوند بزرگ كرده و حتي همسايگان خود را چون خود محبت كنند. لغت «دشمن داشتن» در اينجـا همانطور كه در متن مشابه در متي 10:37 آمده، به معناي قرار دادن در درجه دوم اهميت مي‌باشد. اگـر اختلاف و تضادي بين يكي از اعضاي خانواده و مسيح وجود داشته باشد و انتخاب بين اطـاعت از خـانواده يا اطاعت از مسيح باشد، آن وقت درخواست آن عضو خانواده، هر چقدر هم كه بـا محبت باشـد، بايـد رد گردد. بيشترين حد وفاداري يك شاگرد نسبت به مسيح است و هيچ رابطه‌اي ديگر نبايد جايگزين آن گردد. او عيسي مسيح را بدون هيچ قيد و شرطي به‌عنوان خداوند و هدايت‌كنندهٔ خويش پذيرفتـه اسـت طـوري كه تمامي روابـط و تعهـدهاي ديگـر را مطيـع و تسـليم وفـاداري و وقـف و سرسـپردگي خـود بـه مسـيح مي‌گرداند. عيسي مسيح مي‌بايد هميشه بر همـه چـيز مقـدم باشـد (كولسـيان 1:18)! بنـابراين، شـاگردِ عيسي مسيح او را بيش از هر رابطه ديگري دوست دارد. او مسـيح را برتـر از والـدين، خويشـان و حـتي خود قرار مي‌دهد.

5- دومين مشخصه شاگرد واقعي مسيح حمل كردن صليب خـويش اسـت. شـاگرد واقعي اهـداف و آرزوها و امنيت خويش را مصلوب مي‌كند.

شاگرد به دليل ايمان و تعهد خويش حاضر است مصلوب شود، طـرد گـردد و رنج بكشـد. اين معنـاي واقعي حمل كردن صليب خويش است (لوقا 14:26ـ27).

در اينجا بود كه عيسي مَثَل معمار عجول را بيان كرد.

ب) داستان مَثَل در لوقا 14:28ـ30 بيان شده است.

ج) توضيح يا كاربرد اين مثل بيان نشده است و مي‌بايد از محتواي متن برداشت گردد. يك مسيحي مي‌بايد بهاي شاگردي را قبل از پذيرفتن آن، برآورد نمايد.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مثل‌هايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصليِ مثل را اسـتحكام مي‌بخشـند. بنـابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحانيِ مستقلي قائل شَويم.
كشف و بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:
مسيح به هيچ يك از اين جزئيات معناي خاصي را اطلاق نمي‌كند. جزئيـات مي‌بايـد در ارتبـاط بـا متن تفسير شوند.

الف) «بناي برج» يكي از جزئيات مربوط است. ساختن يك برج كار بزرگي است. اين كار پول، انرژي و وقت زيادي را به خود اختصاص مي‌دهد. از متن درك مي‌كنيم كه اشاره به مساله شاگردي عيسي اسـت. تصميم گرفتن براي شاگردي عيسـي مسـيح، تصـميم مهمي اسـت: اين تصـميم امكـان دارد بـر وضـعيت مالي، روابط شما با والدين، همسر، فرزندان، برادران و خواهرانتان تأثير بگـذارد و همچـنين ممكن اسـت جهت و سمت‌گيري شما را در كل زندگي تغيير دهد.
ب) «برآورد خرج آن را بكند كه آيا قوت تمام كردن دارد يا نه» از جزئيات اساسي است، چرا كه نكته يـا پيام اصلي مثل است. هر شخصي مسؤول است كه در ابتدا بهاي شاگردي عيسي را برآورد كنـد. او بايـد تصميم بگيرد كه آيا مي‌خواهد كـه در زنـدگي، روابط، نقشـه‌ها و تصـميماتش مهم‌تـرين و اولين جـا را بـه عيسي مسيح بدهد يا نه؟

4- تشخيص پيام اصلي مثل
مقدمه: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خودِ داستان. از روشي كـه خـودِ عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونـه بايـد تفسـير كـنيم. هـر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يـك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثل معمار عجول در لوقا 14:28ـ30 دربارة «شاگردي در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهـد. پيـام اصـلي مثل عبارت است از: «هر شخص مسؤول است كه بهايي را كه بايد براي شاگردي مسـيح بـپردازد مـورد توجه قرار دهد. او بايد قبل از اينكه شاگرد بشود، بهايي را كه بايد پرداخت كند، برآورد نمايد. او بايـد پيش از جهيدن، خوب نگاه كند».
«شاگردي» يكي از مشخصه‌هاي اصلي ملكوت خداست. شـهروندان ملكـوت خـدا بهـايي را كـه بايـد براي پيروي عيسي مسيح در زندگي خود پرداخت كنند، در نظر مي‌گيرنـد. در متن، شـخص مي‌بايـد بهـاي شاگردي را مخصوصاً در مورد والدين، همسر، فرزندان، بـرادران، خـواهران، خـودش و اهـدافش بـرآورد كرده، در نظر بگـيرد. اين بهـا امكـان دارد اين باشـد كـه عيسـي مسـيح را برتـر و مهم‌تـر از روابطش بـا والدين، خويشان و حتي اهداف و امنيت خود قرار دهد.

5- مقايسة مَثَل با قسمت‌هاي مشابه و متضاد در كتابمقدس
مقدمه: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجـود در تمـام مثل‌هـا بـا حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتابمقدس تعليم داده شده، يا داراي تشـابه اسـت يـا تضـاد. سـعي كنيـد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثـل را با تعليم مستقيم و واضح كتابمقدس محك بزنيد.
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌تـوان بـا تعليم موجـود در مثـلِ «معمـار عجـول» مقايسه كرد؟
الف) قرائت: متي 6:25ـ34. بهاي شاگردي اين است كه شخص ابتدا ملكوت خـدا و عـدالت او را بطلبـد. منظور اين است كه ملكوت و عدالت خدا براي شخص مهم‌تر از چيزهاي مادي از قبيل خوردن، آشاميدن و پوشيدن باشد.
ب) قـرائت: مـتي 10:37ــ39. بهـاي شـاگردي يعـني دوسـت داشـتنِ عيسـي مسـيح بيشـتر از والـدين و فرزنـدان. بهـاي شـاگردي يعـني آمـادگي بـراي پـذيرش طردشـدگي و تحمـل رنج و فـداكاري بـه دليـل سرسپردگي به مسيح. اين بدان معني اسـت كـه شـخص زنـدگي خـود را بـه عيسـي مسـيح و گسـترش ملكوت او وقف نمايد.
ج) قرائت: متي 7:14؛ يوحنا 16:33؛ دوم تيموتاؤس 3:12. هر شـخص قبـل از اينكـه وارد تعهـد و پيمـان شاگردي مسيح گردد، بايد بهاي شاگردي را بداند و بسنجد. او بايد قبل از شروع كردن درسـت همـه چـيز را بسنجد. پيروي عيسي امري ساده نيست، چرا كه وارد شدن به يك دَرِ تنگ و قدم زدن در يك راه باريك مي‌باشد. بعضي مسيح را براي مدتي پيروي مي‌كنند امـا بعـداً سـقوط مي‌نماينـد (عبرانيـان 6:4ــ8؛ اول يوحنا 2:19)، مثل يهودا (يوحنا 6:70ـ71) و احتمالاً ديماس (2تيموتاؤس 4: 8، 10؛ مقايسه كنيد با متي

7:22ـ23؛ يوحنا 6:66). اما ايمانداران واقعي در مسيح (متي 11:12) هرگز نخواهند افتاد (يوحنا 10:27ـ28؛ فيليپيان 1:6؛ 2تيموتاؤس 2:19)، حتي اگر براي مدتي لغزش خورده و دور شوند (امثال 24:16)؛ همانند پطرس (لوقا 22:31ـ32؛ يوحنا 21:15ـ17).

ب) مثل پادشاه بي‌فكر

قرائت: لوقا 14:31ـ33 را به‌تنهايي بخوانيد. كلام خدا در لوقا 14:31ـ32 مي‌فرمايد: «كدام پادشاه است كه براي مقاتله با پادشاه ديگر برود، جز اينكه اول نشسته، تأمل نمايد آيا با ده هزار سپاه، قدرتِ مقاومت كسي را دارد كه با بيست هزار لشكر بر وي مي‌آيد، و الا چون او هنوز دور است ايلچي‌اي فرستاده شروط صلح را از او درخواست كند.»

1ـ درك داستان طبيعي مثل

بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟

يادداشتها:

الف) شرح پادشاهاني كه با ساير پادشاهان جنگيده‌اند، كتابهاي تاريخ جهان را پر ساخته است.

ب) سنجيدن و در نظر گرفتن عواقب و نتايج جنگ مهم‌ترين و اصلي‌ترين وظيفه پادشاه و سرداران او قبل از شروع كردن جنگ مي‌باشد. مخصوصاً زماني كه مي‌دانند از نظر تعداد كمتر هستند، مي‌بايد تصميم بگيرند: آيا جنگ را ببازند يا تقاضاي صلح نمايند.

ج) فرستادن نماينده (ايلچي) و پرسيدن شروط صلح بهتر است تا درگير جنگي شدن كه نتيجه آن رنج و شكست جبران‌ناپذير است.

2ـ بررسي چاچوب آني مثل و تعيين عناصر آن

كشف و بحث: زمينه، داستان و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟

يادداشتها:

اين مثل محتوايي همانند مثل «معمار عجول» دارد.

الف) زمينه داستان در لوقا 14:25ـ30 بيان گرديده است.

ب) داستان مثل در لوقا 14:31ـ32 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربرد مثل در لوقا 14:33ـ35 بيان شده است. در داستان، كاربرد مثل نيز بيان گرديده: اگر شخصي بايد عمل كند، بايد كاملاً عاقلانه عمل نمايد! اگر نمي‌تواند پيروز شود، بايد درخواست صلح نمايد.

تعليم مسيح درباره شاگردي به شرح ذيل است:

1- سومين مشخصه و ويژگي شاگرد حقيقي اين است كه حاضر است از هر آنچه دارد دست بكشد. يك شاگرد حقيقي كاملاً خود را به عيسي مسيح تسليم مي‌نمايد.

آيه 33 مي‌گويد: «پس همچنين هر يكي از شما كه تمام مايملك خود را ترك نكند، نمي‌تواند شاگرد من شود». بنابراين شاگردِ عيسي او را برتر از همة دارايي‌ها، روابط و اهداف اين جهان قرار مي‌دهد؛ او حاضر است كه هر چيز و همه چيز، هر كس و همه كس را براي پيروي از مسيح، ترك كرده و از آنها دست بكشد. شاگرد اجازه نمي‌دهد كه عشق به ماديات، موفقيت، شهرت، و قدرت باعث عدم شايستگي او براي شاگردي مسيح گردد. اگر تنش و مبارزه‌اي بين جذبة ماديات، موفقيت، شهرت يا قدرت از يك طرف، و پيروي عيسي مسيح با تمام وجود و قلب از طرف ديگر وجود داشت، آن وقت مي‌بايد ماديات، موفقيت، شهرت يا قدرت را رد نمايد. اگر انتخاب بين پول در آوردن و پيروي مسيح با تمام قلب و وجود است، آن وقت مي‌بايد گرايش به ماديات و موفقيت‌هاي دنيوي كنار گذاشته شود. اگر انتخاب بين كسب قدرت، موفقيت و شهرت و پيروي مسيح با تمام قلب و وجود است، آن وقت تمايل و اشتياق براي قدرت، موفقيت و شهرت مي‌بايد به كنار گذاشته شود. بالاترين و مهم‌ترين تعهد و سرسپردگي يك شاگرد به مسيح است و هيچ تعهد و سر سپردگي ديگري نبايد جايگزين آن گردد.

2- چهارمين مشخصه و ويژگي يك شاگرد حقيقي، شباهت به نمك است. يك شاگرد واقعي تأثير مثبت و خوبي بر جامعه مي‌گذارد.

آيات 34 و 35 چنين مي‌گويند: «نمك نيكو است ولي هرگاه نمك فاسد شد به چه چيز اصلاح پذيرد؟ نه براي زمين مصرفي دارد و نه براي مزبله، بلكه بيرونش مي‌ريزند.» نمك ماده‌اي است كه از يك طرف مانع فساد و گنديدگي مي‌گردد و از طرف ديگر طعم و مزه مي‌بخشد. شاگردان مسيح مي‌بايد همانند نمك واقعي و خالص باشند. آنها مي‌بايد با فساد اخلاقي و روحاني در جامعه خود بجنگند و از طرف ديگر گفتار و اعمالشان براي اطرافيانشان طعم و مزة خوشايند و دلپذيري داشته باشد. نمكي كه خاصيت خود را از دست داده است، نه مي‌تواند باعث حاصلخيزي خاك گردد و نه براي كود مفيد است. مذهب رسمي و تشريفاتي فريسيان و معلمان شريعت كه بسياري از نظريات و احكام خود را بر شريعت خدا تحميل كرده بودند، فقط باري بر دوش مردم بود و شبيه نمك بي‌طعم گرديده بود. آنها هيچ تأثير مثبت و خوبي بر جامعه يهود نداشتند و مي‌بايد از ملكوت خدا بيرون انداخته مي‌شدند (متي 8:ـ 12؛ـ 21:42ـ44). عيسي مسيح به شنوندگان خود هشدار داد اشخاصي كه در شناخت و معرفت حقيقي تربيت يافته اما بارها عمداً برخلاف هشدارهاي روح‌القدس عمل كرده‌اند و قلبشان در ضديت با مسيح سخت مي‌گردد، ديگر قادر به توبه نخواهند بود (متي 12:32؛ عبرانيان 6:4ـ6). چرا كه وفاداري ثابت و راسخ به عيسي مسيح با كشش شديد طبيعت گناه‌الود انساني هماهنگ و همراه نمي‌باشد، با اينحال كاملاً ضروري است.

مسيح به شنوندگان خود هشدار داد كه: «آنكه گوش شنوا دارد، بشنود». منظور اين است كه وقتي شخص سخنان عيسي مسيح را شنيد، نبايد هيچ تأخيري بكند، بلكه بايد فوراً دست به كار شود.

3ـ تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
بحث: كداميك از جزئيات اين مثل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند.
يادداشتها:
عيسي مسيح هيچ معناي خاصي را به هيچ كدام از جزئيات اطلاق نمي‌كند. جزئيات مي‌بايد در ارتباط با متن و محتواي آن تفسير گردند.
الف) پادشاهي كه براي جنگ با پادشاه ديگر مي‌رود، يكي از جزئيات مربوط است. در متن، پادشاه اول معرف شخصي است كه مي‌خواهد شاگرد عيسي مسيح گردد، يعني من و شما. پادشاه دوم كه سپاه بسيار بزرگتر دارد، معرف عيسي مسيح است.
ب) پادشاه اول بايد تأمل كرده ببيند آيا قادر به مقابله با پادشاه دوم است يا نه. اين نيز يكي از جزئيات اساسي و اصلي است، چرا كه نكته يا پيام اصلي مثل مي‌باشد. هر پادشاه مي‌بايد قبل از اينكه وارد جنگ شود، اول برتري و نقشة جنگي خود را بسنجد. نكته اصلي مَثَل اين است كه هر شخص مسؤول است عواقب هولناك رد كردن مسيح را در نظر بگيرد. او بايد اين حقيقت را مد نظر داشته باشد كه عيسي مسيح به همراه لشكر فرشتگانش قوي‌تر از او هستند. بايد در نظر بگيرد كه آيا مي‌خواهد خويشتن را تسليم مسيح كرده و شاگرد او شود يا نه؟ اگرچه اقبال و نقشه خود را مورد توجه قرار مي‌دهد، باز هم بايد بين مقاومت كردن يا تسليم شدن يكي را انتخاب كند! اگر چه او نتايج امتناع از شاگردي مسيح يا پذيرش شاگردي او را مورد توجه قرار مي‌دهد، اما باز هم بايد انتخاب كند! او بايد عمل نمايد! عيسي مسيح خواستار تسليم و فروتني است! او پادشاه پادشاهان است (مكاشفه 17:12ـ14) و خواستار يك تصميم و يك انتخاب است. عيسي مسيح مطمئناً دوباره به زمين باز خواهد گشت و تمامي مردگان و زندگان را داوري خواهد نمود! هيچ كس قادر نخواهد بود كه خود را از داوري نهايي برهاند، هيچ كس قادر نخواهد بود كه از روبرو شدن نهايي با عيسي مسيح اجتناب نمايد. تنها انتخاب براي انسانها اين است كه يا داوطلبانه و با تمام قلب و وجود تسليم شاه شاهان گردند و يا نابود شوند.
4ـ تشخيص پيام اصلي مثل
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها: مثل پادشاه بي فكر در لوقا 14:1ـ33 دربارة «شاگردي در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد. پيام اصلي مثل عبارت است از: «هر شخص مسؤول است كه بين شاگرد عيسي مسيح شدن يا مخالفت كردن با آن يكي را انتخاب كند. اگر چه او در نظر مي‌گيرد كه كدام بهتر است، اما بايد عمل نمايد! اگر چه قبل از شروع به كار، جوانب را در نظر مي‌گيرد. اما بايد شروع به عمل نمايد. در ارتباط با عيسي مسيح بي تفاوت و خنثي بودن غير ممكن است!» انتخاب، پاسخ انسان است به درخواست خدا براي برآورد بها و تسليم با تمام قلب و وجود به خداوندي او. اين به معناي تسليم كردن و تسليم شدن با تمام قلب، فكر و زندگي به عيسي مسيح است.
پيام اصلي مَثَل چيزي بيشتر از صرفاً در نظر گرفتن نتايج يك انتخاب است؛ شخص بايد عملاً دست به انتخاب بزند. انتخاب اين پادشاه بين حمله كردن يا حمله نكردن و بي‌طرفي نبود، بلكه بين حمله كردن و تقاضاي صلح كردن است. در حالي كه معمار عجول حق انتخاب بين بنا كردن و بنا نكردن را داشت، اين پادشاه مورد حمله قرار گرفته بود. او هيچ آزادي‌اي براي انتخاب نداشت، چرا كه انتخاب بر او تحميل شده بود. او مي‌بايد تصميم مي‌گرفت! به همين صورت، هر شخص گناهكار مي‌بايد عمل كند. بي تفاوت بودن نسبت به عيسي مسيح غير ممكن است. تمام مردم مورد حمله قرار گرفته و بايد انتخاب كنند. طبيعت گناه‌آلود ما به در قلبمان حمله‌ور شده و تمايلات آن مي‌خواهند ما را تسخير و نابود سازند (پيدايش 4:7). تأثير جهانِ گناه‌آلود و خواهشهاي آن بر تمايلات گناه آلود ما بسيار قوي است (1يوحنا 2:15ـ17؛ لوقا8:ـ 14). و دشمن ما، شيطان، در اطراف گردش كرده و منتظر است كه ما را ببلعد (1 پطرس 5:ـ 8). اما عيسي مسيح نيز بر دَرِ قلب ما ايستاده و آن را مي‌كوبد و مي‌خواهد وارد قلب ما گردد (مكاشفه 3:20). تمام اين موارد ما را ناگزير از تصميم‌گيري مي‌نمايند.
«شاگردي» يكي از مشخصه‌هاي اصلي ملكوت خداست. شهروندان حقيقي ملكوت خدا از يك طرف با حملات طبيعت گناه‌آلود خود، دنياي گناه‌آلود و دشمنان عيسي روبرو هستند، و از طرف ديگر با عيسي مسيح؛ ايشان بايد تصميم بگيرند. آنها در نظر گرفته و تصميم مي‌گيرند كه چه چيزي را بايد كنار گذاشته و ترك كنند تا در ارتباطشان با عيسي مسيح دچار شكست نگردند و در نتيجه در زندگي واقعي روحاني صدمه و شكست جبران‌ناپذيري را متحمل نگردند. اشتباه‌ترين و احمقانه‌ترين طريقي كه مي‌توانند اتخاذ كنند اين است كه فكر كنند مي‌تواند بي‌تفاوت و بي‌طرف باقي مانده و در نتيجه هيچ تصميمي نگيرند. بهترين جهت‌گيري و تنها كار عاقلانه و منطقي و قابل قبول، گرفتن تصميم و بستن عهد و پيمان مي‌باشد. در نتيجه از طريق ايمان به عيسي مسيح با خدا صلح داده شده و در تمام روزهاي زندگي خود از عيسي مسيح پيروي كرده و شاگرد او مي‌گردد (2قرنتيان 5:17ـ20).

5ـ مقاسه مثل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب مقدس
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در مثل «پادشاه بي توجه» مقايسه كرد؟
الف) قرائت: لوقا 12:57ـ59.

يادداشتها: بهترين روش براي شاگردي اين است كه شخص، خودش حكم كند كه چه چيزي صحيح است. اگر شخصي نتواند در محكمه برنده شود، آنگاه قبل از دادگاه درخواست توافق و حل و فصل موضوع را مي‌نمايد. با توجه به داوري نهايي، بهترين عملكردْ صلح و آشتي با عيسي مسيح است. هيچ طريق ديگري براي فرار و رهايي از محكوميت جاوداني وجود ندارد!
ب) قرائت: لوقا 13:1ـ5.
يادداشتها: بهترين تصميم‌گيري براي شاگردي، توبه است، قبل از اينكه بسيار ديـر شـود! عيسي مسيح فرمود: «اگر توبه نكنيد همگي شما همچنين هلاك خواهيد شد.»
ج) قرائت: 2قرنتيان 6:2.
يادداشتها: بهترين خط‌مشي براي شاگردي، سرعت عمل و پرهيز از تأخير است.
د) قرائت: متي 19:20ـ24.
يادداشتها: بهترين روش براي شاگردي اين است كه شخص هر آنچه امكان دارد مانعي بر سر راه پيروي از عيسي مسيح و شاگردي او باشد، ترك كند. براي يك شخص امكان دارد ترك دارايي باشد، و براي شخص ديگري امكان دارد ترك تمايل براي كسب قدرت، موفقيت و شهرت باشد. همچنين مي‌تواند براي شخص ديگري ترك كردن خويشاوندان باشد (امثال 1:10ـ 15؛ افسسيان 5:5ـ7). با چنين عملكردي، شخص مي‌تواند مطمئن باشد كه در هنگام بازگشت عيسي مسيح، شاه شاهان، به جهان، رضايت و خشنودي او را كسب كرده است.
ه) قرائت: لوقا 14:34ـ35؛ 2قرنتيان 2:14ـ16؛ 3:2ـ3.
يادداشتها: بهترين خط‌مشي براي شاگردي، گذاردنِ تأثير مثبت و خوب بر جامعه است، يعني بر خانواده، همسايه‌ها، مخالفان و حتي دشمنان. بهترين تدبير براي پيروزي در جنگ عبارت است از مبارزه بر عليه فساد اخلاقي و روحاني، همانند خاصيتي كه نمك دارد و يا انتشار و رساندن خبر خوش انجيل به ديگران، همانند عطر خوشبو. اين به معني داشتن زندگي مسيحي شفاف در ميان مردم مي‌باشد، دقيقاً همانند نامه‌اي كه هر شخصي مي‌تواند آن را بخواند.

ج) خلاصه تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل‌ها در مورد شاگردي در ملكوت خدا

مثل‌هاي مربوط به شاگردي در ملكوت خدا عبارتند از: 1) مثل «معمار عجول» در لوقا 14: 28ـ30 ؛ 2) مثل «پادشاه بي‌فكر» در لوقا 14:31ـ33؛ و 3) مثل «دست بردن به خيش» در لوقا 9:61ـ62 (به ضميمه 3 رجوع كنيد).

بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل‌هاي مربوط به شاگردي در ملكوت خدا، چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم و او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟
يادداشتها: مسيحيان مي‌بايد شاگردان متعهد عيسي مسيح باشند.

الف) هر شخص مسؤول است كه بهاي شاگردي را مد نظر داشته باشد، مخصوصاً در مورد روابطش با والدين، همسر، فرزندان، برادران، خواهران، زندگي و اهداف خويش. بها امكان دارد اين باشد كه شخص عيسي مسيح را انتخاب كرده و او را بالاتر و مهم‌تر از روابطش با والدين، خويشان و حتي اهداف و امنيت خويش قرار دهد.
ب) هر شخص مسؤول است كه تصميم بگيرد آيا مي‌خواهد شاگرد عيسي مسيح باشد يا نه! كه عبارت است از پذيرش مسؤوليت براي تسليم شدن به شاه شاهان يا مخالفت با او. بي‌تفاوت بودن نسبت به عيسي مسيح غير ممكن است! او بايد در نظر بگيرد كه براي اجتناب از شكست در رابطه‌اش با عيسي مسيح، چه چيزهايي را بايد كنار بگذارد يا ترك كند. براي مسيحي بودن، نمي‌توان دست به اقدامات كوچك زد، از قبيل ايجاد مقداري تغييرات ظاهري در زندگي و بعد ادامه به شيوة سابق زندگي. بدترين تدبير و احمقانه‌ترين چيز اين است كه شخص فكر كند مي‌تواند بي‌تفاوت باقي بماند و در نتيجه هيچ تصميمي نگيرد. بهترين تدبير و تنها كار عاقلانه و منطقي و قابل قبول اين است كه شخص از طريق ايمان به عيسي مسيح و پذيرش شاگردي او، با خدا مصالحه نمايد. شاگردي مسيح به معني تسليم شدن و سرسپردگي با تمام قلب و وجود به عيسي مسيح و تعاليم او مي‌باشد.
ج) هر شخص مسؤول است كه با تمام قلب و وجود خود اين پيمان را ببندد كه در هر روز زندگي خويش و براي تمام عمر خود، همچون يك شاگرد پيرو عيسي مسيح باشد. عيسي مسيح خواهان يك عهد و پيمان فسخ نشدني براي شاگردي خويش مي‌باشد. اين سه مثل تعليم مي‌دهند كه شاگرد مي‌بايد بهاي شاگردي را برآورد كند. او بايد تصميمي براي پذيرش شاگردي مسيح بگيرد! هر روزه مي‌بايد از نگاه كردن به عقب خودداري كرده، در پيروي عيسي مسيح به جلو بنگرد!

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه مثل‌هاي «معمار عجول و پادشاه بي‌فكر» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- اوقات خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از اشعيا 5، 6، 7 و 8 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: در مورد آيه جديد از كلام خدا تفكر كرده، آن را حفظ كنيد: روميان 10:12ـ 5 آيه‌هاي حفظي اخير را هر روز تكرار كنيد.
- آمادگي: مطالعة كتاب‌مقدس از روميان 1:9-33 . از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببنيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.